

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

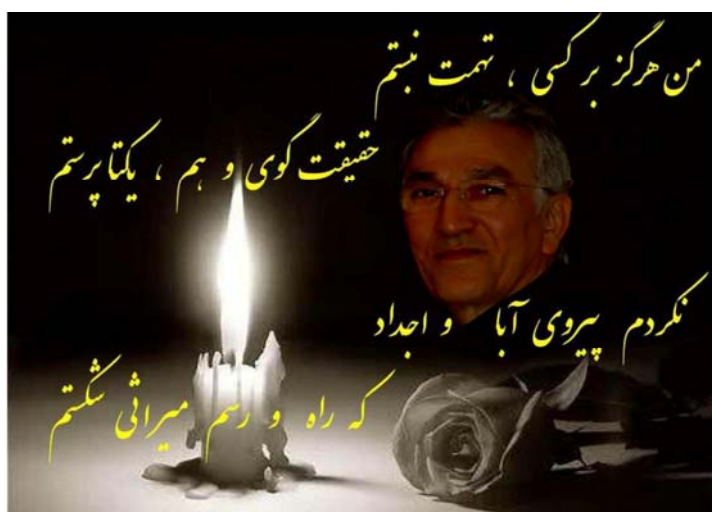
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۷ اگست ۲۰۱۹



نُهاز در رُولِ رَواز

باز آمد و باز آمد، با عشوه نُهاز آمد
آن رانده نا خوانده، افسرده جا مانده
کلمر غکی بی چاره، دُم کننده شکم پاره
آمد که وصال گل، وارث شود از بلبل
بر گل شده، خار همدم، چون مجرم نا محرم
میدان شغالی شد، گندم همه شالی شد
آز رده قناری شد، از باغ فراری شد
نَو آمده در بازار، کهنه شده دل آزار

از گله گریزا و در رُولِ رَواز آمد
قهر و غضبی شانده، با عشق مجاز آمد...
با تُنبک و نغاره، رقصیده به ناز آمد
آن خُل صفتِ مَنگُل از بهرِ جهاز آمد
بر سینه پر از غم، چون سوز و گداز آمد
پیمانه که خالی شد، کولا و پیاز آمد
بر راغ قراری شد، چون شعبده باز آمد
تیری به دل «نعمت» باز آمد و باز آمد

نُهاز در رُولِ رَواز

باز آمد و باز آمد ، باعشوه نُهاز آمد از گدگريزا و ، در رُولِ رَواز آمد
آن راندهء ناخوانده ، افسردهء جا مانده قهر و غضبي شانده ، باعشقِ مجاز آمد
کمر عسکي بي چاره ، دُم کنده شکم پاره باتُنبک و نغاره ، رقصيده به ناز آمد
آمد که وصال گل ، وارث شود از بلبل آن خلِ صفتِ مَسْکُل از بهرِ جاز آمد
بر گل شده ، خار هدم ، چون مجرّم نامحرم بر سينهء پراز عَسم ، چون سوز و کداز آمد
ميدان شغالي شد ، کندم همه شاله شد پيسمانه که خاله شد ، کولاه و پياز آمد
آزرده و تَنساري شد ، از باغ فراري شد بر راغِ قَراري شد ، چون شعبده باز آمد
نوا آمده در بازار ، کهنه شده دل آزار تيري به دلِ « نَعْمَت » باز آمد و باز آمد